



استراتژی دولتها



استاد جلال الدین فارسی
عضو ستاد انقلاب فرهنگی

استراتژی چین

شرفسکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پیش قلمرو داشته است بمساحت ده میلیون کیلومتر مربع . و بخشی از آن برای بقای ملت چین ضروری بوده و نقش فرهنگی آن را بر خود داشته است . تقسیم آن سرزمین سبب شد که سلامت ملت به خطر افتد و فرهنگش به انحطاط کند . ملت باید آنچه را اتفاق افتاده است بکاهانت ملی بشمارد . تا محو این اهانت ، و باز پس گرفتن سرزمینهای از دست رفته ، و نجات خویش از نابودی ، باید از پا ننشینیم " . (۱) همان وقت با انتشار یک کتاب ، فهرست سرزمین های از دست رفته منتشر شد بدین صورت :

باز در تعیین قلمرو ارضی چین با افتخارات گذشته و تاریخ قدیم آن استشهاد می کنند . حکومت " کومین تانگ " نیز چنین می کرد . چنانکه پنگ با استفاده از اصطلاح " فضای حیاتی " که هیتلر بکار می برد و با استناد به فشار جمعیت و حقوق تاریخی ادعا می کرد که مرزهای چین باید به جایی باز گردد که در زمانهای قدیم بوده است . می گفت : " هر ملتی یک فضای حیاتی دارد که برای ادامه بقایش لازم است . قلمرو دولت چین را مقتضیات بقای ملی و مرزهای فرهنگی چین تعیین می کنند . چین در یکصد سال

رهبران چین و طراحان استراتژی آن در کار خویش تحت تاثیر عوامل ثابتی هستند که عبارت است از محیط طبیعی خارجی ، حوادث تاریخی یکی دو قرن اخیر ، احسانات و آرمادهای توده های مردم کنورشان . عوامل نامبرده در ایتان و در حکام گذشته به بکسان اثر نهاده است و در این اثر گذاری ، ایدئولوژی و نوع حکومت و امثال آن نتوانسته است مانعی ایجاد کند ، چنانکه سران حکومت کمونیستی چین با این که دوران امپراطوری چین سبری شده است ،

آنچه از این فهرست، تغییر کرده است بعضی از اشغالگران آن هستند (مثل انگلیس و ژاپن و فرانسه) اما آنچه تحت اشغال روسیه شوروی بوده برجا ماند، و مناطق دیگری بر آن افزوده شده است.

کمیونستهای چین برای این فهرست صحه گذاشتند و دعاوی ارضی آنان هیچ فرقی با دعاوی ارضی حکومت کومین تانگ ندارد آنچه در سیاست خارجی ایشان مهم است مطالبه تدریجی و مرحله‌ای آن است که در دوره استالین کمتر اشاره‌ای به مناطق اشغالی خود توسط شوروی داشتند و اشارات آنها رسمی نبود، اما سپس با تاکید و قوت

هر چه بیشتر، مطالبات ارضی خود را در برابر شوروی بیان نمودند. در ۱۹۳۶ - و پیش از پیروزی انقلاب چین، " مائو " طی یک گفتار رسمی اعلام کرد که: " وظیفه فوری ما این است که سرزمین‌های از دست رفته را باز پس بگیریم ... این سرزمین‌ها

شامل کره که سابقا مستعمره چین بوده است نمیشود. اما ما پس از آنکه سرزمین‌های خود را باز پس گرفتیم، آماده‌ایم در صورتی که مردم کره از ما کمک بخواهند برای آزاد شدن از یوغ استعمار ژاپن و کسب استقلال به یاری آنان بشتابیم. همین مطلب در مورد جزیره " فورمز " صدق می‌کند ... در

مورد جمهوری مغولستان خارجی، بزودی با تقاضای مردم آن، بصورت جزئی از دولت فدرال چین در خواهد آمد. و بزودی هر یک از دو ملت اسلام و ملت تبت، جمهوری مستقلی را تشکیل خواهند داد که از استقلال داخلی برخوردار، بوده و با دولت فدرال چین در رابطه است." (۲)

دولت اشغالگر	موقعیت جغرافیایی	مساحت به کیلومتر مربع	تاریخ از دست رفتن
روسیه شوروی	بخش شمالی کوهستان کینگان	۲۴۰/۰۰۰	۱۶۸۹ میلادی
روسیه شوروی	جلگه سینگا	۱۰۰/۰۰۰	۱۷۲۷
انگلیس	هنگ کنگ	۸۳	۱۸۴۲
روسیه شوروی	شمال هایلنگ کینگ	۴۸۰/۰۰۰	۱۸۵۸
انگلیس	کاولون	۸	۱۸۵۸
روسیه شوروی	منطقه شرقی رود اسوری	۳۴۴/۰۰۰	۱۸۶۰
روسیه شوروی	شمال دریای بالخاش	۹۰۰/۰۰۰	۱۸۶۴
ژاپن	جزایر لیوشیو	۲۳۸۶	۱۸۷۹
روسیه شوروی	جلگه ایلی	۲۱۰۰۰	۱۸۸۲-۱۸۸۳
روسیه شوروی	دره ارنیش در شرق دریاچه زایسان	۲۰۰۰۰	۱۸۸۳
روسیه شوروی	مرتفعات کوکسول	۹۰۰۰	۱۸۸۴
فرانسه	آنام و سراسر هند و چین	۷۳۸۰۰۰	۱۸۸۵-۱۸۸۹
انگلیس	برمه	۵۴۷۰۰۰	۱۸۸۶
انگلیس	سیکم	۷۵۵۰	۱۸۹۰
انگلیس	غرب مرتفعات سلوبن	۱۲۲۴۰۰	۱۸۹۴
انگلیس	غرب مرتفعات بانگ تسه	۹۱۳۰۰	۱۸۹۴
انگلیس	برمه علیا و کوهستان سافیک	۱۰۰۰۰۰	۱۸۹۴
ژاپن	کره	۲۲۰۳۳۴	۱۸۹۵
ژاپن	تایوان	۳۵۸۴۵	۱۸۹۵
ژاپن	باسکادور	۱۲۷	۱۸۹۵
انگلیس	کناره برمه	۷۶۰	۱۸۹۷
انگلیس	کناره برمه	۲/۳۰۰	۱۸۹۷
		۴/۰۰۹/۰۹۳	مجموع مساحت

رهبران چین تحت فشار افکار عمومی مردم، ناچارند باز پس گرفتن سرزمینهای ازدست رفته را بعنوان هدف استراتژیک در سیاست خارجی خود بشناسند

کمونیستی چین را که برای بیرون آوردن موفولستان از تحت الحمایگی شوروی اقدام جدی نمیکرد متهم ساختند که با رضایت دادن به جدائی موفولستان، سرزمین چین را به شوروی فروخته است. رهبران چین تحت فشار افکار عمومی مردم چین ناچارند باز پس گرفتن سرزمینهای از دست رفته را بعنوان هدف استراتژیک در سیاست خارجی خود بشناسند و با همت و جدیت دنبال کنند هرچند آنان را به کشمکشهای بین - المللی خطرناکی بکنانند. این خواست ملی ناشی از مفهوم روشن و ثابتی است که مردم چین از حاکمیت ملی و از نقش و رسالت حکومت کنندگان دارند.

ادامه دارند

1- Chiang Kai - shek, *China's*

Destiny, New York 1947, P. 34

2- مصاحبههای اوگاراستو با مائوتسه تونگ

در ۱۹۳۶، تحت عنوان: ستاره سرخ بر فراز

چین، چاپ ۱۹۴۴، ص ۹۶.

3- *China Handbook*, 1955-56

(Taipei, Taiwan, 1955) P. 15



براه افتاد. در مذاکراتی که میان دولتین صورت گرفت، چین حاضر نشد در مورد زمینهایی که جزئی از خاک خود میدانست کوچکترین گذشتی نشان دهد هر چند از لحاظ اقتصادی یا استراتژیک کمترین ارزشی هم نداشتند.

شیوه رفتار خارجی دولتهای مختلف چین در طول دورههای تاریخ آنکشور در مورد زمینهایی که جز قلمرو چین - میدانستند، ناشی از طرز تلقی آنان از حکومت است. آنان همیشه - و با هر ایدئولوژی و عقیده‌ای که داشته‌اند - حکومت را وسیع‌الآسانی و متعلق به کسی میدانستند که بتواند از مرزهای کشور در برابر حملات وحشیان - بایگانگان - دفاع کند و امنیت داخلی را از دستبرد شورشیان مصون بدارد. باین که موفولستان منطقه‌ای دور دست است اما در ۱۹۱۲ که حکومت مرکزی چین، تن داد به این که یک حکومت خود مختار ولی تحت الحمایه روسیه داشته باشد، جوانان همین پرست چین علیه حکومت مرکزی دست به تظاهرات مخالفت - آمیز خشن زدند. حتی در ۱۹۵۰ حکومت

از اظهار نظر و تصمیم وی تا اجرای آن فاصلهای چندان نشد. از تاسیس جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹ فقط یکسال میگذشت که نیروهای مسلح خود را به مرتفعات تبت فرستاد تا از تصرف هند خارج کنند. در ۱۹۵۰ نیروهای خود را به کره فرستاد تا نیروی آمریکائی را که بنام سازمان ملل متحد آمده بودند از رود زرد عقب براند و به پشت مدار ۳۸ درجه بشناسند. سین - کيانگ را که اکثریت مردمش مسلمانند، یک کشور اسلامی خواند و با دادن استقلال داخلی بصورت یکی از ایالات جمهوری فدرال چین درآورد. فورمز که از اشغال ژاپن بیرون آمده بود محل استقرار ارتش چیانگ کایشک شده بود. استقلال موفولستان خارجی را بموجب معاهده دوستی و دفاع که با شوروی در ۱۹۴۵ بسته شد، برسمیت شناخت. مرزهایی که حکومت کمونیستی چین در دریای جنوب چین و سواحل بورنئو برسمیت میشناسد همان است که حکومت چیانگ کایشک رسم کرده است. مائو همچنین با آنچه در کتاب رسمی حکومت چیانگ کایشک آمده بود موافقت کامل داشت، باین مطلب که "از دورترین نقطه مرزهای جنوبی گرفته تا دورترین نقطه مرزهای غربی باید مورد تجدید نظر قرار گیرد. بامیر منطقهای است در غرب کشور که شوروی و افغانستان و چین بر سر آن اختلاف دارند چنانکه چین و جمهوری فیلیپین و هند و چین بر سر حاکمیت جزایر توانشا - یا جزایر کورال - که در جنوب واقع است اختلاف دارند. مرزهای چین و برمه احتیاج به تعیین حدود دارد." (۳)

نیروهای چین در سالهای ۵۶-۱۹۵۵ به طرف مناطقی که با برمه مورد اختلاف بود